یادداشت

کلام مردم

ادامه از صفحه اول

کلمه مردم همیشه دستاویزی بوده برای مردم‌فریبی و به کرسی نشاندن نظرات یک گروه با سوءاستفاده از این کلمه.

به‌تازگی یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی که با رأی بسیار قلیلی صاحب کرسی در مجلس شده، گفته است که مردم تقاضا دارند هرچه زودتر جمهوری اسلامی ایران به آمریکا و اسرائیل حمله کند. ایشان که نه تاکنون در صف مبارزات بوده و نه جنگ را تجربه کرده و احتمالا حتی درد یک نوک تیزی را در بدن احساس نکرده، خود را زبان مردم می‌داند و در پی منویات فرقه‌ای است که اینک را آخرالزمان می‌خوانند و چنین سخنانی را به نام مردم به‌عنوان نماینده مجلس شورای اسلامی بر زبان می‌آورد.

هدف از این سخن هرچه باشد، محتوای آن نادرست و نامطلوب است؛ چه از لحاظ شکلی و چه از لحاظ محتوا. قانون اساسی می‌گوید در مسائل مهم می‌توان به رفراندوم روی آورد. چگونه بدون اجرای رفراندوم ایشان از نیت مردم آگاه است و به خود حق می‌دهد سرنوشت کشور را در گرو نظرات فرقه‌ای خود قرار دهد. اما از نظر محتوایی حتما ایشان فکر می‌کند که براساس آنچه در فوتبال رایج بوده و می‌گویند بهترین دفاع حمله است، با حمله پیش‌دستانه لزوما پیروزی حاصل می‌شود، درحالی‌که در همان فوتبال چه بسیار تیم‌هایی که سراپا حمله‌اند اما با یک ضدحمله شکست خورده‌اند. از سویی معلوم می‌شود ایشان شاید یک صفحه تاریخ نخوانده است. اگر کمی تاریخ خوانده بود، می‌توانست بداند که ناپلئون با ۸۰۰ هزار سرباز فدایی به روسیه حمله کرد و تنها با ۲۰ نفر و با لباس مبدل به کاخ الیزه بازگشت یا هیتلر پس از امضای قرارداد صلح با استالین در سال ۱۹۳۹ به روسیه حمله کرد ولی با تلفات یک‌میلیون‌نفره در خاک روسیه شکست خورد و ژاپن در بندر پرل‌هاربر چهار هزار ملوان آمریکایی را با کشتی‌های‌شان به زیر آب‌های اقیانوس فرستاد، اما در پس آن امپراتور ژاپن سند تسلیم ژاپن را در یک کشتی به ژنرال آمریکایی تسلیم کرد. اگر هم تاریخ نخوانده ولی در ایران بوده باشد، دیده است که حمله اسرائیل در جنگ ۱۲روزه به ایران با پاسخ مقتدرانه نیروی هوافضای جمهوری اسلامی روبه‌رو شد و در رویارویی با ویرانی چاره‌ای جز تقاضای پایان جنگ نیافت.

معلوم نیست این فرد یا افرادی شبیه به او، چگونه به خود حق می‌دهند با زبان مردم سخن بگویند و با وجود فرمانده کل قوا، شورای ملی امنیت ملی و شورای دفاع، اختیار همه را از آنِ خود کنند و معلوم نیست ریاست محترم مجلس با نماینده‌ای که مردم را وجه‌المصالحه نظرات فرقه‌ای خویش می‌کند، چگونه مماشات می‌کند. البته چنین سخنانی در راستای آخرالزمانی خواندن «اینک» که فرقه‌ای آن را دنبال می‌کنند، بعید نیست، هرچند از آموزه‌های تشیع بسیار دور است. مگر نمی‌دانند که توقیت یعنی تعیین‌کردن وقت برای ظهور حضرت حجت(عج) ممنوع است و چگونه عبارت «عجل‌الله تعالی» را که تقاضا از خداوند است، با قراردادن خود در جایگاه خداوند تعبیر می‌کنند. تفسیر به رأی‌های این‌چنینی، خود باعث انحرافات از اصل دین می‌شود و مگر نمی‌بینند که با همین انحرافات «ظهور مهدی» در تاریخ اسلام چند بار اتفاق افتاده و استکبار جهانی چه بهره‌هایی از آن برده است. اگر کارها با تعقل و تدبیر و حسب آموزه‌های قرآنی و سنت ائمه طاهرین انجام می‌شد، نه گزافه‌گویی، نه با توهمات ایجاد می‌شد و نه آنکه استعمارگران و نفوذی‌ها با تمسک به ابزار دین جایگاه خود را تثبیت می‌کردند. هوشیاری در وحدت و پرهیز از گفتار و رفتار سلیقه‌ای می‌تواند در هر شرایطی ایران را حفظ کند.

مرگ میلیون‌ها انسان و افول هژمونی آمریکا

ادامه از صفحه اول

ارتش قدرتمند، بدون شبکه‌ای از متحدان، نهادهای بین‌المللی و تصویری مثبت از رهبری آمریکا، نمی‌تواند به‌تنهایی هژمونی را حفظ کند. کنار گذاشتن «دستکش مخملی» قدرت، شاید در کوتاه‌مدت احساس اقتدار ایجاد کند، اما در بلندمدت به انزوای راهبردی و تضعیف نفوذ می‌انجامد. در جهانی که به‌سرعت به سوی چندقطبی‌شدن حرکت می‌کند، این نوع هژمونی نه‌تنها کارآمد نیست، بلکه خطرناک است. رقابت فزاینده قدرت‌های بزرگ به کشورها امکان می‌دهد گزینه‌های بیشتری پیش‌روی خود ببینند و وابستگی‌شان به آمریکا را کاهش دهند. اگر ایالات متحده نتواند نقشی سازنده، پیش‌بینی‌پذیر و مبتنی بر همکاری ایفا کند، نه‌تنها رقبایش تقویت خواهند شد، بلکه امنیت، رفاه و نفوذ جهانی خود آمریکا نیز آسیب اساسی خواهد دید.

در نهایت، کاهش کمک‌های خارجی آمریکا را می‌توان هم‌زمان به‌عنوان عامل مرگ میلیون‌ها انسان و نشانه‌ای از افول هژمونی این کشور تحلیل کرد. این تصمیم، پیوند دیرینه میان اخلاق، قدرت و رهبری جهانی آمریکا را گسست و نشان داد که افول هژمونی، بیش از آنکه نتیجه فشار خارجی باشد، محصول انتخاب‌های داخلی و تغییر در درک نخبگان حاکم از معنای قدرت است. اگر این مسیر ادامه یابد، جهان نه‌تنها شاهد رنج بیشتر انسان‌ها، بلکه شاهد آمریکایی ضعیف‌تر و تضعیف نظم بین‌المللی خواهد بود.

توسعه هنرستانی؛ سیاستی درست با اجرای ناتمام

نقدی بر شکاف میان هدف‌گذاری اشتغال‌محور و واقعیت میدانی هنرستان‌ها

مجید طهرانیان، کارشناس آموزش: سیاست هدایت تحصیلی دانش‌آموزان به سوی آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای و کاردانش، در اسناد بالادستی نظام آموزشی کشور، به‌عنوان راهکاری اساسی برای پاسخ به چالش بیکاری جوانان، توسعه مهارت‌محوری و تقویت کارآفرینی معرفی شده است. در سطح نظری، این رویکرد همسو با نیازهای بازار کار و تجارب موفق جهانی است، اما در سطح اجرا، با چالش‌هایی بنیادین روبه‌رو است که تداوم آنها می‌تواند اصل سیاست توسعه هنرستانی را با تردید جدی مواجه کند.

بخش اول: تحلیل وضعیت موجود و چالش‌های میدانی هنرستان‌ها

۱. فقر زیرساخت فیزیکی: ایجاد و توسعه هنرستان، برخلاف مدارس نظری، نیازمند فضاهای تخصصی شامل کارگاه، آزمایشگاه، انبار، تأسیسات ایمنی و محیط‌های عملیاتی است. بسیاری از هنرستان‌های موجود یا فاقد این فضاها هستند یا با حداقل استاندارد فعالیت می‌کنند. هزینه بالای ساخت و تجهیز چنین فضاهایی عملا در سیاست‌های توسعه کمّی هنرستانی نادیده گرفته شده است.

۲. کمبود تجهیزات تخصصی و فرسودگی فناوری: آموزش مهارتی بدون ابزار و ماشین‌آلات به‌روز، فاقد معناست. بخش درخور توجهی از هنرستان‌ها با تجهیزات فرسوده و از رده خارج فعالیت می‌کنند، امکان به‌روزرسانی متناسب با پیشرفت‌های فناورانه را ندارند و فاصله‌ای معنادار با فناوری‌های مورد استفاده در صنعت دارند. در چنین شرایطی، خروجی هنرستان نمی‌تواند پاسخ‌گوی نیاز واقعی بازار کار باشد.

۳. نادیده‌گرفتن هزینه مواد مصرفی: مواد اولیه و مصرفی، جزء لاینفک آموزش مهارتی هستند. در رشته‌های صنعتی، کشاورزی و خدماتی، آموزش بدون مصرف واقعی مواد عملا به آموزش نظری تقلیل می‌یابد. بااین‌حال ردیف بودجه مشخص و پایداری برای مواد مصرفی هنرستان‌ها وجود ندارد و تأمین این مواد اغلب به مدیر هنرستان یا کمک‌های مقطعی واگذار می‌شود. این موضوع به کاهش کیفیت آموزش عملی منجر شده است.

۴. بحران نیروی انسانی ماهر و باانگیزه: جذب و نگهداشت مربیان فنی خبره، یکی از جدی‌ترین چالش‌های هنرستان‌هاست. سطح حقوق و جایگاه شغلی فعلی توان رقابت با صنعت را ندارد، امکان جذب متخصصان باتجربه را محدود کرده است و انگیزه مربیان موجود را نیز تضعیف می‌کند. بدون مربی ماهر، حتی بهترین تجهیزات نیز بلااستفاده خواهند بود.

بخش دوم: نقد سیاست توسعه‌ای هنرستان‌ها

سیاست توسعه هنرستانی در شکل کنونی، بیش از آنکه یک برنامه جامع اقتصادی-آموزشی باشد، به یک گسترش کمّی بدون پشتوانه کیفی شباهت دارد. افزایش سهم هدایت تحصیلی به هنرستان‌ها، بدون تأمین منابع مالی، انسانی و تجهیزاتی لازم، منجر به انتقال بحران از مدارس نظری به هنرستان‌ها خواهد شد. نگاه هزینه‌ای به آموزش مهارتی، به‌جای نگاه سرمایه‌گذاری، موجب شده است هنرستان‌ها با انتظارات بالا و امکانات حداقلی مواجه شوند، دانش‌آموزان مهارت‌محور، آموزش ضعیف‌تری در مقایسه با همتایان نظری دریافت کنند و اعتماد صنعت به خروجی نظام هنرستانی کاهش یابد. درواقع سیاستی که با هدف اشتغال‌زایی طراحی شده، در معرض تبدیل‌شدن به عاملی برای تشدید شکاف مهارتی است.

بخش سوم: پیشنهادهای عملی با تأکید بر پیوند صنعت و آموزش

۱. استقرار الگوی مشارکت واقعی صنعت و هنرستان: ضروری است که هنرستان‌ها در قالب شبکه‌های منطقه‌ای مرتبط با خوشه‌های صنعتی فعالیت کنند. در این مدل صنعت در تأمین تجهیزات، مواد مصرفی و مربی مشارکت مستقیم دارد، بخشی از آموزش در محیط واقعی کار انجام می‌شود و هنرستان به بازوی تربیت نیروی انسانی صنعت تبدیل می‌شود، نه نهاد منفصل از آن.

۲. تعریف مشوق‌های اقتصادی برای مشارکت صنعت: دولت می‌تواند از طریق معافیت‌ها و مشوق‌های مالیاتی، به رسمیت شناختن هزینه‌های آموزشی صنعت، استفاده آموزشی از تجهیزات نیمه‌فعال یا جایگزین‌شده صنعتی و مشارکت پایدار بخش تولید را تضمین کند.

۳. ایجاد ردیف مستقل بودجه مواد مصرفی: پیشنهاد می‌شود سرانه مواد مصرفی متناسب با رشته و تعداد هنرجو تعریف شود و امکان تولید و فروش محصولات آموزشی با بازگشت درآمد به هنرستان فراهم شود.

۴. اصلاح نظام جذب و پرداخت مربیان هنرستانی: لازم است مسیر شغلی مستقل برای مربیان فنی طراحی شود، جذب مدرسان پاره‌وقت از صنعت تسهیل شود و پرداخت‌ها مبتنی بر مهارت و تجربه صنعتی بازتعریف شود.

۵. تمرکز بر کیفیت به جای توسعه شتاب‌زده: توسعه هنرستانی باید مرحله‌ای و مبتنی بر نیاز واقعی بازار کار منطقه باشد، با پیوست امکان‌سنجی اقتصادی اجرا شود و کیفیت را بر کمیت مقدم بداند.

جمع‌بندی

توسعه هنرستانی اگر به‌درستی اجرا شود، می‌تواند موتور محرک اشتغال و تولید باشد، اما بدون تأمین منابع لازم، به سیاستی پرهزینه و کم‌اثر تبدیل خواهد شد. آینده آموزش مهارتی کشور در گرو تصمیم‌های امروز سیاست‌گذاران است؛ تصمیم‌هایی که باید واقعیت‌های میدان را مدنظر داشته باشد، نه آمار هدایت تحصیلی را.

بحران امید و چالش‌های حکمرانی در ایران

ادامه از صفحه اول

هرچند معیشت و رفاه نقش مهمی دارند، اما تجربه زیسته شهروندان نشان می‌دهد که فاصله میان سیاست‌ها و انتظارات اجتماعی در حوزه‌هایی فراتر از اقتصاد نیز گسترش یافته است؛ حوزه‌هایی مانند فرهنگ، آموزش، رسانه، سبک زندگی و مشارکت سیاسی. در این حوزه‌ها، سیاست‌گذاری‌ها اغلب به‌گونه‌ای پیش رفته‌اند که به‌جای تنظیم رابطه دولت و جامعه، نوعی تقابل نمادین ایجاد کرده‌اند. چالش‌های فرهنگی، مداخلات مستقیم در سبک زندگی، تقویت‌نکردن نهادهای واسط اجتماعی و کم‌توجهی به امکان گفت‌وگوی آزاد، این پیام را به بخش بزرگی از جامعه منتقل کرده که نه‌تنها مطالبات اقتصادی، بلکه هویت، کرامت و حق انتخاب فردی نیز محل مناقشه است. در علم سیاست چنین وضعیتی به معنای آن است که دولت از نقش داور و تنظیم‌کننده منافع اجتماعی فاصله گرفته و خود به یکی از طرف‌های منازعه تبدیل شده است. پیامد طبیعی این وضعیت، فرسایش امید به اصلاح درون‌ساختاری و کاهش اعتماد به امکان تغییر از مسیرهای رسمی است. یکی از ضعف‌های جدی در تحلیل رسمی وضعیت کشور، کم‌توجهی به ابعاد روان‌شناختی تحولات اجتماعی است. جامعه‌ای که آینده را مبهم می‌بیند، امکان اثرگذاری را محدود می‌داند و مدام با پیام‌های متناقض و فشارهای نمادین مواجه است، به‌طور طبیعی دچار اضطراب جمعی و ناامنی روانی می‌شود. این وضعیت، صرفا یک مسئله فردی یا روان‌درمانی نیست، بلکه مستقیما بر رفتار جمعی اثر می‌گذارد. افزایش استرس اجتماعی، خشم فروخورده و احساس بی‌عدالتی، زمینه‌ساز بروز رفتارهایی مانند کاهش مشارکت سیاسی، تجمع های صنفی و اعتراضات خیابانی می‌شود. چنین رفتارهایی الزاما محصول سازمان‌دهی سیاسی یا مداخله خارجی نیستند (اگرچه این عوامل می‌توانند نقش تسریع‌کننده داشته باشند)، بلکه واکنش‌های پیش‌بینی‌پذیر جامعه به فشار روانی انباشته‌شده هستند.

بخش درخور توجهی از سیاست‌گذاری در ایران همچنان با فرض وجود «زمان کافی» انجام می‌شود؛ گویی می‌توان بحران‌ها را به آینده موکول کرد، وعده‌های اصلاحی را به تعویق انداخت و با مدیریت مقطعی از کنار مسائل گذشت. این در حالی است که جامعه، به‌ویژه نسل‌های جوان‌تر، دیگر منطق تعویق را نمی‌پذیرد. هر دوره تأخیر در اصلاحات معنادار، نه‌تنها امید را کاهش می‌دهد، بلکه هزینه اصلاحات بعدی را نیز افزایش می‌دهد. از منظر روان‌شناسی اجتماعی، جامعه وارد چرخه‌ای می‌شود که در آن ناکامی‌های پی‌درپی، احتمال واکنش‌های ناگهانی و پیش‌بینی‌ناپذیر را افزایش می‌دهد. به بیان دیگر، مسئله فقط «چه باید کرد» نیست، بلکه «چه زمانی باید اقدام کرد» است؛ و این زمان در حال محدودترشدن است. در نظریه‌های دولت مدرن، مشروعیت سیاسی صرفا از منابع حقوقی یا تاریخی حاصل نمی‌شود، بلکه به‌طور مستقیم به کارآمدی و توان حل مسئله گره خورده است. هرچه فاصله میان مطالبات جامعه و پاسخ حاکمیت بیشتر شود، سرمایه اجتماعی سریع‌تر فرسایش می‌یابد. در چنین شرایطی، حتی سیاست‌های درست نیز اگر دیر اجرا شوند، ممکن است اثر خود را از دست بدهند. جامعه‌ای که به این جمع‌بندی برسد که نظام سیاسی توان حل مسائل یا اراده آن را ندارد، به تدریج مشروعیت عملی آن نظام را زیر سؤال می‌برد. این فرایند معمولا تدریجی آغاز می‌شود، اما می‌تواند به صورت ناگهانی شتاب بگیرد. باید پذیرفت که بسیاری از پیشنهادهای کلاسیک اصلاح حکمرانی، متعلق به شرایط آرام‌تر بوده‌اند. امروز مسئله، طراحی برنامه‌های پنج‌ساله جدید یا تدوین اسناد بالادستی تازه نیست؛ مسئله اصلی، ارسال سیگنال‌های فوری و ملموس به جامعه است؛ سیگنال‌هایی که نشان دهند رویکرد تنش‌زا جای خود را به عقلانیت و مسئولیت‌پذیری داده است. با توجه به محدودیت زمانی و ضرورت اقدام فوری، پیشنهادهای زیر به‌عنوان گام‌های ضروری و فوری برای آغاز اصلاحات و بازسازی اعتماد اجتماعی ارائه می‌شود:

- **اقدامات شوک‌آور مثبت و ملموس:** در شرایط فعلی، حاکمیت نیازمند تصمیم‌هایی است که اثر آنها بلافاصله در زندگی روزمره مردم احساس شود؛ حتی اگر این تصمیم‌ها پرهزینه یا پرریسک باشند. توقف یا بازنگری فوری در برخی سیاست‌های مناقشه‌برانگیز فرهنگی و اجتماعی می‌تواند به‌عنوان نشانه‌ای از تغییر رویکرد تلقی شود.
- **تعلیق سیاست‌های تنش‌زا:** پافشاری بر سیاست‌هایی که شکاف اجتماعی را عمیق‌تر می‌کنند، در شرایط بحرانی عقلانی نیست. تعلیق چنین سیاست‌هایی می‌تواند فرصت تنفس اجتماعی ایجاد کند و فشار روانی را کاهش دهد.
- **تغییر روایت رسمی به پذیرش مسئولیت و واقع‌بینی:** جامعه بیش از وعده‌های جدید، به صداقت نیاز دارد. پذیرش صریح دشواری‌ها و محدودیت‌ها، به‌مراتب امیدآفرین‌تر از وعده‌های خوشبینانه غیرواقعی است.
- **تمرکز بر ترمیم روان جمعی:** کاهش محدودیت آزادی‌های عمومی، کاستن از فشارهای نمادین و ایجاد احساس امنیت روانی، پیش‌نیاز هر اصلاح پایدار است.
- **پذیرش هزینه اصلاحات:** هیچ اصلاح معناداری بدون هزینه نیست. بی‌توجهی به ضرورت اصلاحات فوری برای پرهیز از هزینه‌های کوتاه‌مدت، در عمل به بحران‌های پرهزینه‌تر در بلندمدت منجر خواهد شد.

جمع‌بندی

ایران امروز بیش از آنکه با بحران اقتصادی یا سیاسی صرف مواجه باشد، با بحران امید و معنا روبه‌رو است. این بحران، تدریجی اما شتاب‌دار است و زمان در آن نقشی تعیین‌کننده دارد. دولتی که به پایداری نظام سیاسی و کاهش هزینه‌های اجتماعی می‌اندیشد، ناگزیر باید بپذیرد که پنجره اصلاح در حال بسته‌شدن است. تصمیم‌های سخت، فوری و واقعی، نه یک انتخاب آرمانی، بلکه از محدود گزینه‌های باقی‌مانده برای بازسازی اعتماد و امید اجتماعی‌اند.

نگاه

در جزیره کیش با آمریکا مذاکره کنید

محمد مدرسی
استاد دانشگاه

وقت آن است که برای حفظ منافع ملی و شکستن حلقه محاصره امنیتی‌سازی، گامی جسورانه برداریم. پیشنهاد می‌شود دولت ایران از آمریکا برای مذاکره مستقیم در جزیره کیش دعوت کند. این انتخاب تصادفی نیست؛ کیش نماد توسعه، صلح و تعامل سازنده ایران با جهان خواهد شد. مذاکره در خاک خود، نشان از اعتمادبه‌نفس و قدرت چانه‌زنی را افزایش می‌دهد. اما این گام می‌تواند هوشمندانه‌تر هم باشد. بهتر است در همان مرحله اول، تعدادی از کشورهای همسایه که در ماه‌های اخیر برای مذاکره ایران و آمریکا و نزدیک‌شدن دیدگاه‌های طرفین تلاش و همکاری کرده‌اند -ازجمله وزرای خارجه یا نمایندگانی از شورای همکاری خلیج فارس (عربستان، قطر، عمان، امارات، بحرین و کویت)، ترکیه، مصر، عراق و پاکستان- نیز به‌عنوان ناظر یا مساعی جمیله در مذاکرات اولیه دعوت شوند. این اقدام سه مزیت بزرگ دارد:

۱. پیام صلح منطقه‌ای می‌فرستد: نشان می‌دهد ایران به دنبال تنش‌زدایی با همه همسایگان است و صلح را یک مسئله جمعی می‌داند و حتی می‌تواند مقدمه امضای یک پیمان عدم تعرض با کشورهای همسایه در آینده شود.

۲. امنیتی‌سازی دشمن را خنثی می‌کند: دیگر نمی‌توانند ایران را «عامل بی‌ثباتی» جلوه دهند وقتی در قلب خلیج فارس میزبان همسایگان برای گفت‌وگو است. این گام همچنین می‌تواند به‌طور مؤثری سایه جنگ احتمالی را از بالای سر کشور (میزبان مذاکرات) بردارد. مذاکرات جدی و مسئولانه در چنین فضایی می‌تواند خطرات درگیری‌های نظامی را کاهش داده و زمینه را برای یک توافق پایدار فراهم کند.

۳. قدرت چانه‌زنی ایران در خاک خود را افزایش می‌دهد: آمریکا در مقابل نگاه جمعی منطقه تنها خواهد ماند و مواضع یک‌جانبه آن تضعیف می‌شود. به‌علاوه، این اقدام می‌تواند به‌طور قابل توجهی از احتمال تنش‌ها و جنگ‌های آینده جلوگیری کند؛ چراکه تعامل با کشورهای همسایه و قدرت‌های جهانی در یک بستر دیپلماتیک به‌طور طبیعی از تشدید تنش‌ها و تهدیدات نظامی خواهد کاست.

این طرح و پیشنهاد نه نشانه ضعف، بلکه نشانه بلوغ دیپلماسی ایران است. می‌توانیم هم اصول خود را حفظ کنیم، هم از انزوای تحمیلی بگریزیم و هم پیام آشتی را به جهانیان برسانیم. کیش می‌تواند میعادگاه صلح باشد؛ میزبانی مذاکرات کیش سرآغاز مات‌شدن نقشه‌های شوم علیه ایران خواهد شد اگر اراده شود.

جدول ۵۲۶۳ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- مرگ- نشستن- بازخواست‌کردن ۲- اندوه- آبشاری مرتفع در آمریکای‌شمالی- سلطان ۳- جزیره‌ای در خلیج فارس- وسیله‌ای برای تشخیص برق‌داربودن مدار الکتریکی ۴- جزیره تبعیدگاه ناپلئون- پاینده و جاوید- حاصل هر عدد به توان صفر ۵- واحدی برای فروش نفت- داستان بلند- صاف و مسطح ۶- از القاب اشرافی زنان اروپایی- شکاک- از نرم‌افزارهای پیام‌رسان داخلی ۷- من و شما- قصیده‌سرای عهد قاجار- سومین فرمانروای خوارزمشاهی ۸- گوژپشت- حس لامسه- فاضلاب ۹- عملی‌شدن- قوه قانون‌گذاری- خاک سفالگری ۱۰- افسرده- تباهی- رشوه‌دهنده ۱۱- خبرگزاری دانشجویان- خبرگزاری ایتالیا- ضماد ۱۲- کاکل اسب- لباس‌ها- خدمتگزار ۱۳- رمانی از کامیلو خوزه سلا، شاعر و نویسنده اسپانیایی- دارای سنی متوسط ۱۴- نوعی شیرینی- شهرستانی در استان البرز- فرمان ۱۵- مستقیم و بدون پیچ‌وخم- پوشاک سر- کامیون ارتشی

عمودی:

۱- داروغه- پهنه زمینی نرم و مرطوب و نفوذناپذیر- بنابراین ۲- سنگینی اجسام- بهشت ارم را بنا نهاد- مباشر ۳- توتون قلیان- شجاع- فیلم درام ورزشی به کارگردانی و بازی بن‌افلک ۴- لجباز- کارهای خوب ۵- از چهار جهت جغرافیایی- زمان گذشته- از پیامبران بنی‌اسرائیل ۶- سخن گستاخانه- از مقام‌های کلیسایی- نمایشنامه‌نویس شهیر ادبیات آلمان ۷- آوای متمایزکننده معنی در زبان- پایه- دریچه کنار کاربراتور خودرو ۸- نگهبان گله- مهاجم تیم ملی فوتبال سنگال- نفوذ به یک سیستم رایانه‌ای ۹- شکوه و جلال- پاک‌تر- ثروت و دارایی ۱۰- مسلک- خط تلفن- به‌تازگی ۱۱- بی‌ارزش- حلال رنگ- اطلاعات سازمان‌یافته برای تحلیل ۱۲- کوچک‌ترین قمر زحل- صحرا ۱۳- آجر گلی- روادید- خجلت‌زده ۱۴- پنجاه‌ویکمین سوره قرآن- اشک‌ریختن- بی‌سواد ۱۵- تکرار حرفی- سردار رومی که مغلوب سورنا شد- راه قابل عبور برای چارپایان

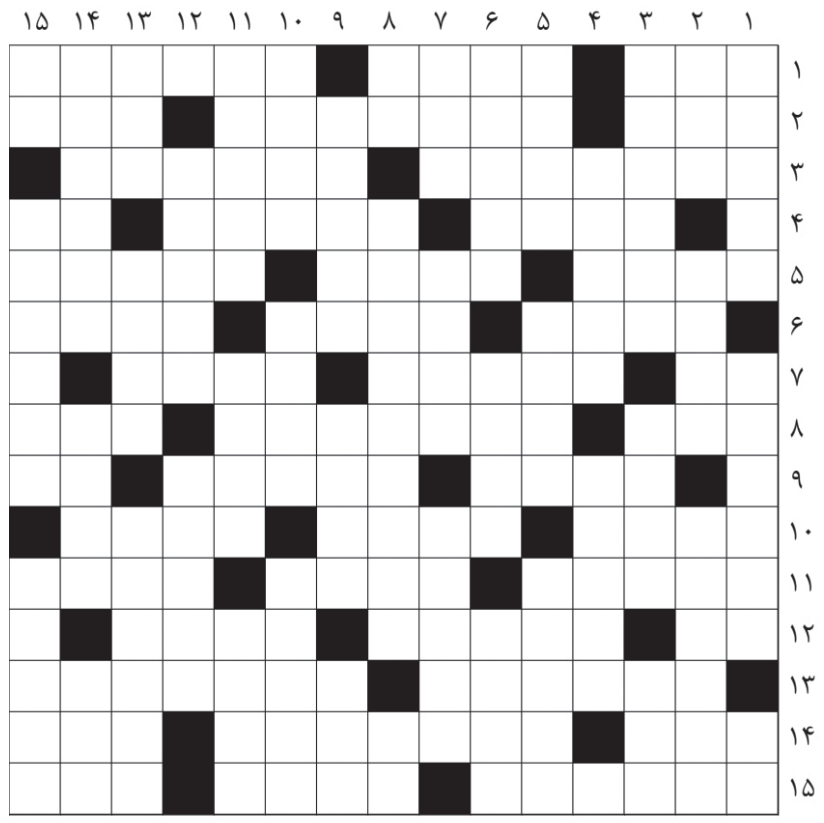

حل سودوکو ۴۲۵۸

۴	۷	۳	۶	۲	۵	۸	۱	۹
۱	۵	۶	۹	۸	۳	۴	۲	۷
۹	۸	۲	۴	۱	۷	۵	۳	۶
۶	۳	۵	۸	۹	۴	۱	۷	۲
۷	۱	۹	۳	۵	۲	۶	۸	۴
۲	۴	۸	۷	۶	۱	۹	۵	۳
۸	۲	۴	۵	۷	۶	۳	۹	۱
۵	۶	۷	۱	۳	۹	۲	۴	۸
۳	۹	۱	۲	۴	۸	۷	۶	۵

۶	۸	۱	۴	۵	۲	۳	۹	۷
۴	۹	۷	۳	۱	۸	۵	۶	۲
۳	۲	۵	۶	۹	۷	۴	۸	۱
۲	۶	۳	۸	۴	۹	۷	۱	۵
۵	۷	۴	۲	۶	۱	۸	۳	۹
۸	۱	۹	۷	۳	۵	۶	۲	۴
۹	۵	۶	۱	۷	۳	۲	۴	۸
۱	۴	۲	۵	۸	۶	۹	۷	۳
۷	۳	۸	۹	۲	۴	۱	۵	۶

حل جدول ۵۲۶۲

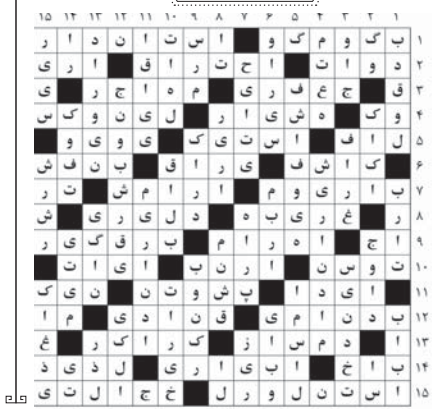

سودوکو سخت ۴۲۵۹

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲		۱		۸	۹			
					۶		۳	
۴								
۳	۱		۶		۷			۵
		۷		۲		۱		
۵			۸		۱		۹	۳
								۸
	۳		۱					
			۷	۳		۹		۴

سودوکو ساده ۴۲۵۹

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۹			۶		۸			۲
۸		۲	۳		۴		۵	۶
		۶				۷		
۶		۳	۵					۷
		۱		۶		۵		
۵					۱	۸		۴
		۸				۴		
۱	۶		۲		۳	۹		۵
۳			۸		۷			۱